

بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای کودک احمدرضا احمدی و مگان مک دونالد

سجاد نجفی بهزادی*

دکتر جهانگیر صفری

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

دکتر سید کاظم موسوی

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

دکتر مسعود فروزنده

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای کودکانه احمدرضا احمدی و مگان مک دونالد، دو نویسنده کودک ایران و جهان برای بررسی شیوه ارائه درونمایه، تناسب درونمایه با ویژگی مخاطب کودک و نگرش نویسندگان نسبت به کودک برای دست یافتن به نقاط ضعف و قوت نویسندگان در انتخاب و پردازش مناسب درونمایه داستانهای کودک است. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا است. درونمایه داستانهای دونالد درباره مسائلی چون کنجکاوی و افزایش میزان اطلاعات کودک درباره خود و خودباوری کودک برای حفظ و نجات محیط زیست و... است و درونمایه داستانهای احمدی مسائلی چون پرسشگری کودک راهی برای شناخت بهتر جهان، افسردگی و اندوه ناشی از تنهایی و تأثیر آن در مخاطب کودک، غنیمت شمردن فرصتها و لحظات زندگی و... را بیان می‌کند. این مقایسه نشان داد که کودک در داستانهای دونالد خودباوری و اعتماد به نفس زیادی دارد به طوری که می‌خواهد دنیا را نجات دهد؛ اما کودک در داستانهای احمدی در مقایسه با کودک داستانهای دونالد، خودباوری کمتری دارد. دونالد در قالب حوادث شاد و هیجان‌انگیز داستان توانسته است گوشه‌ای از توانمندی، علایق و دنیای کودکان را به نمایش بگذارد.

کلیدواژه‌ها: درونمایه داستان، کودک، داستانهای احمدرضا احمدی، داستانهای مک دونالد، داستانهای کودک ایرانی و خارجی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۶

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

۱۳۷



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۵۹، بهار ۱۳۹۷

۱. مقدمه

درونمایه، فکر و اندیشه و نوع نگاه نویسنده به مسائل و مقولات مختلف است که در داستان بیان می‌شود و یکی از عنصرهای مهم داستان به شمار می‌رود. «درونمایه از موضوع به دست می‌آید و در واقع تفسیر و نگرش نویسنده را نسبت به موضوع داستان نشان می‌دهد.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۳۰۰). نورتون می‌گوید: «درونمایه هر داستان اندیشه نهفته‌ای است که پیرنگ، شخصیتها و صحنه‌پردازی را به هم پیوند می‌زند و به کلیتی معنادار تبدیل می‌کند» (نورتون، ۱۳۸۲: ۱۱۶). درونمایه در داستانهای کودک نقش مهمی دارد. انتخاب و پردازش مناسب درونمایه یکی از راههای جذب کودک به مطالعه داستان است. بررسی و مقایسه تطبیقی درونمایه داستانهای نویسندگان کودک ایران و جهان - برای دست یافتن به آثاری متناسب با ظرفیت ذهنی و درک کودک - مسأله‌ای مهم و قابل توجه است. ادبیات کودک ایران، فراز و نشیبهای گوناگونی داشته است. نگاه و نگرش نویسندگان کودک ایران و جهان به کودک و آینده او متفاوت است. به نظر می‌رسد نویسندگان جهان به مسائل کودکانه و علایق و خواسته‌های آنها توجه بیشتری دارند که این میزان توجه در آثار نویسندگان کودک ایران کمتر به نظر می‌رسد. کاستیهای ادبیات کودک را از یک سو، باید در تغییر نسل و فاصله پدید آوردندگان و مخاطبان و از سوی دیگر در نگاه پدیدآورندگان امروز به کودک جستجو کرد. ادبیات کودک می‌تواند با طرح سؤال در ذهن کودک او را به اندیشیدن وا دارد و به جای القای ارزشهای از پیش تعیین شده، حرکت فکری در کودکان پدید آورد. داستان در افزایش تفکر و حرکت فکری کودک نقش مهمی دارد. داستان برانگیزاننده قدرت اندیشیدن و خیال‌پردازی در کودک است. «خواندن داستان در هر اجتماع پژوهشی، عملی فلسفی است و کوشش در درک داستان تأویل آن کوشش در درک جهان و تأویل آن است» (خسرونزاد، ۱۳۸۴: ۳۰). به نظر می‌رسد آنچه باعث جذابیت داستانهای ترجمه شده برای کودک ایرانی شده، علاوه بر مسائل آموزشی، توجه به شخصیت کودک و مسائلی است که کودک برای گذراندن کودکی و ورود به دنیای بزرگسالی نیاز دارد. موضوع داستانهای «جودی» اثر مک دونالد، دغدغه‌ها، مسائل و مشکلاتی است که کودک در آغاز راه اجتماعی شدن و سالهای آغازین مدرسه با آن روبه‌رو است (ر.ک عفتی، ۱۳۹۴: ۷). هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی درونمایه

داستانهای دو نویسنده کودک ایران و جهان (احمدرضا احمدی و مگان مک دونالد) برای دست یافتن به تفاوت درونمایه‌ها، شیوه ارائه، تناسب درونمایه با مخاطب کودک و نگرش نویسندگان نسبت به کودک است.

۱-۱ اهمیت پژوهش

اهمیت تحقیق در این است که با مقایسه آثار داستانی «مگان مک دونالد» و «احمدرضا احمدی» نویسنده برجسته کودک ایران و جهان می‌توان به نوع نگرش دو نویسنده نسبت به کودک با دو فرهنگ متفاوت دست یافت. اگرچه دو نویسنده از دو فرهنگ و اجتماع متفاوت هستند، آنچه این مقایسه را توجیه‌پذیر می‌کند، ویژگیهای کودک و نیازها و خواسته‌های ذاتی اوست که اغلب میان همه کودکان جهان مشترک است. پس محور اصلی این مقایسه کودک است؛ اینکه دو نویسنده چه اندازه به خواسته‌ها، آرزوها و دنیای کودک توجه دارند؟ این بررسی تطبیقی کمک می‌کند تا نقاط ضعف و قوت نویسندگان در حوزه ساختار و درونمایه (انتخاب درونمایه، پردازش مناسب درونمایه و...) را مشخص کند که این تحقیق بیشتر درونمایه را بررسی می‌کند. هدف این مقاله بررسی نوع نگرش نویسندگان با دو فرهنگ متفاوت به کودک است؛ اینکه چه مسائلی از کودک بیشتر مدنظر است و نویسندگان در داستانها به دنبال ارائه چه مسائلی هستند و این مسائل چه اندازه با دنیای کودک مطابقت دارد؟ اگر چه دو نویسنده از نظر فرم و محتوا چندان قرابتی با هم ندارند، درونمایه، که فکر و اندیشه نویسنده در داستان است و نوع نگرش او را نسبت به کودک نشان می‌دهد، بیشتر مورد توجه بوده است.

احمدرضا احمدی یکی از شاعران و فانتزی‌نویسان معاصر ادبیات کودک و نوجوان به شمار می‌رود. داستانهای او آمیزه‌ای از نثر، شعر و خیال‌پردازیهای اوست. قدم گذاشتن در متن آثار احمدی به حرکت در ژرفای مه می‌ماند.

سبک داستانهای او از داستانهای معمول و کلیشه‌ای فاصله زیادی دارد به طوری که او با آثار خود ادراک حسی مخاطب را دوباره سازمان می‌دهد؛ آن هم نه از مسیر قاعده‌های آشنا و عاداتهای ملموس، بلکه از طریق آشنایی‌زدایی. در هر بار خواندن آثار احمدی، متوجه معانی تازه‌ای می‌شویم که معانی سابق را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد و به پس‌زمینه می‌راند (کائد، ۱۳۸۱: ۴۹).

احمدی سعی می‌کند روایت جدیدی برای کودک خلق کند و از کلیشه‌ها فاصله بگیرد تا مخاطب را مجذوب داستانهای خود کند.

مگان مک دونالد متولد سال ۱۹۵۹ در ایالت ویرجینیا یکی از نویسندگان برجسته ادبیات کودک امریکا است که با انتشار مجموعه داستانهای «جودی دمدی» محبوبیت زیادی بین کودکان به دست آورد. او در این مجموعه دنیای کودکان را با تمام علایق و نیازهایشان به نمایش می‌گذارد. شخصیت‌های داستانهای دونالد را کودکان تشکیل می‌دهند. محور و موضوع اصلی داستانهای دونالد کودک و مسائل زندگی اوست.

۱-۲ روش پژوهش

روش پژوهش، کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا است. در این پژوهش آثار کودکان دو نویسنده (احمدی و دونالد) بررسی شده است. آثار دونالد در قالب مجموعه ۱۲ جلدی با عنوان «جودی دمدی» انتشارات افق، که از مهمترین آثار دونالد است و داستانهای برجسته کودک احمدرضا احمدی که برای گروه سنی ب و ج نوشته شده، انتخاب شده است؛ داستانهایی چون «در باران از سفر آمد»، «عمر هفت چوب کبریت»، «عروس و داماد در باران»، «پروانه روی بالش من»، «شب چهاردهم ماه»، «باران دیگر نمی‌بارید»، «سفر»، «در بهار پرندۀ را صدا زدیم»، «نوشتم باران باران بارید» و

۱-۳ پیشینه پژوهش

درباره مقایسه تطبیقی آثار دو نویسنده، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما درباره آثار داستانی کودک احمدرضا احمدی، فانتزی‌نویس ایران و مک دونالد به صورت جداگانه پژوهشهایی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. مقاله «بررسی دو داستان کودک از احمدرضا احمدی بر پایه نظریه خواننده درون متن» که به همت سعید حسام‌پور، زهرا پیرصوفی املشی و سمانه اسدی که بهار ۱۳۹۲ در مجله ادب پژوهی به چاپ رسیده است. ۲. مقاله «خواننده نهفته در دو داستان کودک از احمدرضا احمدی» به وسیله سعید حسام‌پور، زهرا پیرصوفی املشی و سمانه اسدی بهار ۱۳۹۲ در مجله نقد ادبی چاپ شده است. ۳. مقاله «تسلیم نشدن به وسوسه قضاوت (نگاهی به ویژگی یگانه داستانهای احمدرضا احمدی)» که به وسیله علی اصغر سیدآبادی پاییز ۱۳۸۶ در پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان چاپ شده است. ۴. مقاله «قصه‌گویی در شعر» (نگاهی به کتابهای کودک و نوجوان احمدرضا احمدی) به وسیله

شهره کائدی اسفند ۱۳۸۱ در مجله کتاب ماه کودک و نوجوان به چاپ رسیده است ۵. مقاله «ساختار کودکی» (نگاهی ساختاری به کتاب نوستم باران، بارید اثر احمدرضا احمدی) که به وسیله حسین شیخ‌الاسلامی پاییز ۱۳۸۶ در پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان به چاپ رسیده است. ۶. مقاله «نقد و بررسی: گم/ مقایسه دو اثر در نگاهی کلی مقایسه دو داستان کودک احمدرضا احمدی.» به وسیله زری نعیمی، مهرماه ۱۳۸۴ در مجله کتاب ماه کودک و نوجوان به چاپ رسیده است. ۷. مقاله «نقد و بررسی داستان دو داستان جودی انجمن مخفی تشکیل می‌دهد و خاطرات یک خون‌آشام از دید برنامه فلسفه برای کودکان» به وسیله مریم عفتی کلاته، بهار ۱۳۹۴ در مجله فلسفه و کودک به چاپ رسیده است.

۲. بررسی درونمایه داستانهای احمدرضا احمدی

درونمایه‌های داستانهای احمدرضا احمدی (آثار کودکانه) نسبت به دیگر نویسندگان ادبیات کودک از تنوع خاصی برخوردار است. انتخاب موضوع و درونمایه‌هایی از طبیعت و آفرینش، جلوه‌ای تازه برای مخاطب کودک فراهم کرده است. فهم برخی از درونمایه داستانهای احمدی برای کودک چندان آسان نیست.

احمدی سعی می‌کند به گونه‌ای دنیای ذهنی خودش را با دنیای کودکان تطبیق دهد؛ اما واقعیت این است که چون نمی‌تواند از تابع‌ها و معیارهای ذهن خودش بگذرد، برخی از آثارش کودک محور نیست. احمدی گاهی می‌کوشد به کمک تکرار، پس‌زمینه و فضای اثر را برای مخاطب آسانتر کند؛ اما از آنجا که ذهنیتها بزرگسالانه است در این کار توفیق چندان نمی‌یابد (نعیمی، ۱۳۸۴/ الف: ۶۹).

اگرچه احمدی سعی می‌کند که ذهن و تخیل خود را به دنیای کودکان نزدیک کند، تخیل، ذهن و تصاویر بصری داستانهای او گاهی دشوار به نظر می‌رسد. شیوه ارائه درونمایه در آثار احمدی اغلب غیرمستقیم است. شاید چنین عاملی باعث کنجکاوی و تلاش مخاطب در فهم درونمایه باشد؛ اما کودک چندان از این تلاش لذت نمی‌برد. نمادین بودن برخی عناصر آثار احمدی باعث این مسأله شده است.

۲-۱ نگرش تخیلی به پدیده‌ها برای افزایش شناخت کودک

احمدی با پرداختن به پدیده‌های طبیعی، گردش فصول، شکل‌گیری ابرها و باران، رنگین‌کمان،



چرخه آب و عناصری چون ماه، ستاره، خورشید و غیره، کودک را با هستی و چگونگی شکل‌گیری آن در قالب زبانی آهنگین و شعرگونه، آشنا می‌کند. نگرشی که نویسنده به پدیده‌ها دارد، تخیلی و از دریچه ذهن کودک است. در داستان «در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود» گردش فصول و شناخت پدیده‌های طبیعت به کودک نشان داده می‌شود.

در ماه فروردین در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود و ماه بزرگ بود و گرد بود، کودکان به آسمان خیره شدند و دیدند که لکه‌هایی به دور ماه می‌چرخند. کودکان همه لکه‌ها را در کتابچه‌های مشق نقاشی کردند. در ماه اردیبهشت در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود و ماه بزرگ بود و گرد بود، کودکان به آسمان خیره شدند و دیدند که لکه‌هایی به دور ماه می‌چرخند. کودکان همه لکه‌ها را در کتابچه‌های مشق نقاشی کردند (احمدی، ۱۳۸۸، الف: ۱۱ و ۱۲).

این توصیف با جملات تکراری درباره تمام ماههای سال ادامه می‌یابد. در این گردش سالانه، ماه و آسمان دچار تغییرات گوناگونی می‌شوند. کودکان نسبت به این تغییرات ابراز نگرانی و اندوه می‌کنند.

در ماه خرداد در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود و ماه بزرگ بود و گرد بود، کودکان به آسمان خیره شدند و دیدند ماه تاریک است و لکه‌هایی در سیاهی ماه گم هستند. آن شب کسوف بود. کودکان سیاهی ماه را در کتابچه‌های مشق نقاشی کردند و فردا صبح به هم نشان دادند. کودکان از سیاهی ماه و لکه‌هایی که به دور ماه نبود، غمگین شدند (همان: ۱۴).

اندوه و ناامیدی کودکان از سیاهی ماه بر اثر کسوف و لکه‌های دور ماه، سرانجام در ماه فروردین سال بعد از بین می‌رود و ماه در آسمان چهره و جلوه دلخواه کودکان را به خود می‌گیرد. باران شروع به باریدن می‌کند. گل‌های لادن، مریم، اطلسی، شقایق و نیلوفر می‌رویند. گویی امید و سرزندگی در فروردین ماه پس از گذشت ماهها به وجود آمده است. در واقع لکه‌های قرمز، بنفش؛ زرد، آبی و ارغوانی که به دور ماه می‌چرخیدند به گل‌های شقایق، بنفشه، لادن و نیلوفر تبدیل شدند. نویسنده در یک چرخش زیست محیطی، عناصر و پدیده‌های طبیعت را به کودک نشان می‌دهد.

_____ بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای کودک احمدرضا احمدی و مگان مک دونالد

موضوعی که او برمی‌گزیند، بسیار زیبا و نشاندهنده شور و شیدایی شاعرانه (آفرینش) اوست.

احمدی با بهره‌گیری از عناصر ماه، ستاره، ابرها، فصول سال و زمین، چرخه ذهنی‌ای شکل می‌دهد و نهایتاً تغییرات آنها و چگونگی شکل‌گیری ابرها، رنگین‌کمان، باران و چرخه زمانی رویش گلها را با استفاده از عناصر بصری، رنگ و شکل در قالب داستان نشان می‌دهد (پارسایی، ۱۳۸۹: ۲۵).

احمدی شناخت ماهیت پدیده‌ها را موضوع داستان خود قرار می‌دهد تا مخاطب کودک، درک زیبا و آسانتری از جهان و دنیای پیرامون بیابد. نویسنده تفاوت نگرش کودک را نسبت به بزرگسالان با تخیلی کودکانه بیان می‌کند. این نگرش متفاوت (شناخت کودکانه) که حاصل تخیل کودکانه است در داستان «پروانه روی بالش من خواب رفته» بخوبی دیده می‌شود.

در بالکن خانه یک شمعدانی داشتم که گل‌های سرخ داشت با ذره‌بین گلدان شمعدانی را نگاه کردم. گلدان شمعدانی بزرگ شد. یک دشت پر از گل‌های شمعدانی قرمز شد. مردی از اسب سفید پیاده شد. گل‌های شمعدانی را چید... گاهی هواپیما از روی دشت شمعدانی پرواز می‌کرد و مرد با اسب سفید از دشت شمعدانی گذشت. ذره‌بین را شستم. روی گل شمعدانی در بالکن پروانه‌ای پرواز می‌کرد و گلدان زیر باران بود. (احمدی، ۱۳۹۲: ۹).

در داستان «پروانه روی بالش من به خواب رفته» مادر راوی با دادن ذره‌بین به او، کودک را به بهتر دیدن، پرورش تخیل و نگرش متفاوت به هستی فرا می‌خواند. نویسنده از کودک مخاطب می‌خواهد با دید و نگرشی تازه به پیرامون نگاه کند؛ نگاهی تخیلی و متفاوت از نگرش بزرگسالان.

اسباب بازی بزرگ شد؛ یک ماشین آتش‌نشانی شد؛ حرکت کرد؛ با سرعت به سوی مهمان‌خانه‌ای رفت که در آتش می‌سوخت. مأموران آتش‌نشانی از ماشین پیاده شدند. نردبانها را به دیوار همسایه‌ها تکیه دادند و رفتند آتش را خاموش کردند... (همان: ۱۲).

سرانجام با شسته شدن ذره‌بین، عناصر صحنه با تغییرات اندکی به حالت پیشین بر می‌گردند.

۲-۲ کنجکاوی و پرسشگری راهی برای درک بهتر جهان پیرامون

پرسشگری و کنجکاوی کودک و توجه بزرگسالان به این کنجکاوی در جهت شناخت بهتر و بیشتر جهان پیرامون یکی دیگر از درونمایه‌های داستانهای احمدی است. گاهی شناخت هستی و پدیده‌های آن در داستانهای احمدی رنگ فلسفی به خود می‌گیرد تا علاوه بر برانگیختن حس کنجکاوی کودک، شناخت او را عمیقتر کند. در داستان «سفر»، احمدی از زبان کودک درباره پدیده‌های هستی سؤال می‌پرسد. پرسشهایی درباره هستی و وجود پدیده‌ها.

پسر از پدر پرسید: آیا نام شکوفه فقط شکوفه است. دیشب که باد شکوفه را ویران کرد، آیا کلمه شکوفه در جهان مرد؟ صبح روز اول بهار پدر به پسرک گفت: بهار آمده است. درختان شکوفه دارند. کلمه شکوفه دوباره متولد شد» (احمدی، ۱۳۹۲: الف : ۷-۱۵).

این سؤالات درباره همه پدیده‌های طبیعت در ذهن کودک شکل می‌گیرد؛ پدیده‌هایی چون سفر، گندم، باران و... «پسرک گفت: نام سفر چی؟ ما فردا به سفر می‌رویم. کلمه سفر دوباره زنده می‌شود» (همان: ۲۱). کودک بر اساس کنجکاوی کودکانه خود سؤال می‌کند و این پرسشگری گاهی آنقدر ادامه می‌یابد که بزرگسالان از جواب دادن به آنها ظفره می‌روند. کودک مخاطب در این داستان می‌آموزد که وقتی گندم یا شکوفه دگرگون می‌شود، به طور کامل از بین نمی‌رود و در زمانی دیگر دوباره متولد می‌شود. نویسنده در این داستان به مریبان و بزرگسالان یادآوری می‌کند که به پرسشها و کنجکاوی کودکان پاسخ مناسبی بدهند تا شناخت آنها از جهان پیرامون کاملتر شود و داستان مناسبترین وسیله برای پاسخگویی به کنجکاوی کودکان است. «با نوشتن داستانهای فلسفی می‌توان رفتارهای مختلف کودکان را نشان داد و در برابر این رفتارها، ذهن کودکان را به پرسش و تفکر برای یافتن پاسخ وادار کرد» (رشتچی، ۱۳۸۹: ۲۷).

۲-۳ اندوه و افسردگی بر اثر تنهایی و دوری از پدر

تنهایی، انتظار و دلتنگی یکی از مضمونهای داستانهای احمدی است. داستان «نوشتم باران، باران بارید» روایت انتظار طولانی یک کودک در غیاب پدر به سفر رفته‌اش است. وقتی پدر به سفر رفت، بهار بود. کودک در غیاب پدر به سراغ اسباب‌بازیها، تنها

سرگرمی‌اش یعنی جعبه مداد رنگی، مدادپاک‌کن و یک قفس و گنجشک می‌رود. داستان از غیبت پدر آغاز می‌شود. راوی داستان برای جبران دوری پدر، شروع به نقاشی روی دیوار همسایه می‌کند.

صبح بعد از خانه بیرون آمدم. روی دیوار همسایه با مداد آبی یک دریا نقاشی کردم. مداد آبی تمام شد. اگر می‌دانستم برای نقاشی کردن دریا باید این همه رنگ آبی داشت یک دریاچه می‌کشیدم. چه خوب شد که آسمان آبی را نکشیدم. روی دیوار با مداد یک کشتی کشیدم... (احمدی، ۱۳۸۴/الف: ۴).

راوی برای خروج از تنهایی خود و گنجشکی که مشخص نیست به دنیای آرزوها تعلق دارد یا دنیای واقعی، شروع به کشیدن نقاشی می‌کند. استفاده از رنگ آبی و تأثیر روانشناختی آن (سکون، سردی و تنهایی) نیز با درونمایه همخوانی دارد. شخصیت داستان دوری از پدرش را به اشیا و مسائل پیرامون، فرافکنی، و به نوعی همه را در این انتظار طولانی سهیم می‌کند.

باد وزید و برگهای درختهای سبز را ریخت. درخت زرد زیر برگهای سبز گم شد. گنجشکها هم زیر برگهای سبز گم شدند. همسایه از صدای باد به کوچه آمد. باد آنقدر تند بود که کلاه همسایه را با خود برد. همسایه در کوچه به دنبال کلاهش دوید. اما کلاه رفته بود... همسایه غمگین برگشت... (همان: ۲۰).

در پایان، پدر بر می‌گردد و او را از این انتظار و دل‌تنگی خارج می‌کند؛ اما خوشحالی یا دگرگونی‌ای در حالت و چهره پسرک دیده نمی‌شود، گویی او سالهاست با این انتظار و دوری انس گرفته است و حال با بازگشت پدر تغییر در حال او احساس نمی‌شود. گویی این تنهایی و انتظار در وجود و روح کودک داستان تأثیر منفی و پایداری گذاشته است.

در داستان «در باران از سفر آمد» نیز نویسنده تنهایی و دوری پدر را نشان می‌دهد. پسرک داستان هر روز صبح از پنجره خانه، که رو به کوچه باز می‌شد، حوادث و اتفاقات روزانه را برای مادرش گزارش می‌داد. مادر فقط سکوت می‌کرد.

صبح روز اول پسرک پنجره را رو به کوچه باز کرد و گفت: مادر بیا نگاه کن دریا با کشتیها پشت پنجره ما آمده است. نقاشان از کشتی پیاده شده‌اند. دارند دیوارها و در خانه‌ها را رنگ آبی می‌زنند. مادر سکوت کرد... صبح روز دوم پسرک پنجره را رو به کوچه باز کرد و گفت: مادر بیا نگاه کن از دیشب تا صبح پشت پنجره ما هزاران



درخت گیلان روئیده است که پر از شکوفه‌های صورتی رنگ است. شاعران در زیر درختان گیلان شعر می‌خوانند. مادر سکوت کرد و پسرک را نگاه کرد... (احمدی، ۱۳۹۲/ب: ۷-۹).

راوی تا روز هشتم، حوادث و اتفاقات کوچه را به مادرش گزارش می‌کند. مادر نیز سکوت می‌کند. روز هشتم با بقیه روزها فرق دارد. «صبح روز هشتم پسرک پنجره را رو به کوچه باز کرد و گفت: در کوچه باران می‌آید. یک نفر که چتر سیاه بر سر دارد به طرف خانه ما می‌آید. مادر گفت: پدرت در باران از سفر آمد» (همان: ۲۱). بر خلاف بقیه روزها، که گویی در خواب و خیال کودک می‌گذشت روز هشتم در عالم واقعیت روی می‌دهد. مادر بدون درنگ در جواب پرسش می‌گوید پدر از سفر آمد. استفاده از رنگ‌های مختلف آبی، قرمز، زرد، سبز، ارغوانی و سفید متناسب با روزهای هفته، قابل تأمل است. گویی نه یک هفته که ماهها است پدر در سفر است. رنگها و تغییر محیط متناسب با رنگ مورد نظر، گویای این مسأله است. در روز هشتم شخصی با چتر سیاه رنگ زیر باران می‌آید. داستان به شیوه خلاقانه و زیبا روایت شده است؛ اما درباره اینکه کودک چه اندازه می‌تواند با داستانی که گویی دو عالم خیال و واقعیت را به هم پیوند زده است، ارتباط برقرار کند، تردید وجود دارد.

ذهنیت احمدی مقید نیست؛ افسار گسیخته است؛ به جریان سیال خواب شباهت دارد که در قید هیچ چارچوبی قرار نمی‌گیرد؛ شکل‌پذیر نیست؛ اشکال را در خود به تخریب می‌رساند؛ عالم رؤیا از جهان اشکال می‌گریزد تا آزادی را در بی‌قیدی ناب ذهن به تجربه درآورد (نعیمی، ۱۳۸۴/ب: ۶۸).

در نهایت انتظار و دوری از پدر پایان می‌پذیرد؛ اما پسرک نسبت به آمدن پدر واکنشی نشان نمی‌دهد و حتی احساس خوشحالی در او مشاهده نمی‌شود.

تنهایی و گم شدن، ویژگی بارز داستانهای احمدی است. این ویژگی در داستان «روزی که مه بی پایان بود» بیشتر خود را نشان می‌دهد.

پسرک هیچ وقت به انتهای کوچه نرفته بود. انتهای کوچه را نمی‌دانست. کوچه و خانه‌ها در مه گم بودند سکوت و مه بود و کوچه بود. پسرک باز تنها بود. آن روز صبح که پسرک پنجره را گشود دریا را در انتهای کوچه دید. کنار دریا یک درخت گیلان بود... (احمدی، ۱۳۸۴/ب: ۱۸).

نویسنده در پایان به کمک گلوله نخ قرمز رنگ، کودک را از مه و گمشدگی و تنهایی بیرون می‌آورد. «پسرک نی لیک را بر لب نهاد و آرام آرام نواخت. دیگر با آواز سه تار می‌نواخت. سه تار و نی لیک با هم می‌نواختند، مه کم می‌شد و کم می‌شد. مه تمام شد» (همان: ۱۹). پایان مه، پایان تنهایی است. پیرمرد کنار پسرک می‌نشیند: «کنار پیرمرد یک گلوله نخ قرمز بود. پیرمرد به پسرک لبخند زد. کنار قایق یک درخت گیلاس بود. پیرمرد و قایق و درخت گیلاس در برف بودند» (همان). پس برای رهایی از تنهایی باید از نشانه‌ها و کمک دیگران بهره گرفت. کودک در فضای مه‌آلود داستان سردرگم می‌ماند و نمی‌تواند فهم چندانی از درونمایه داشته باشد.

۴-۲ غنیمت شمردن فرصتهای زندگی (تجربه‌اندوزی)

احمدی در داستان «عمر هفت چوب کبریت» به مخاطب کودک توصیه می‌کند که قدر لحظات و فرصتهای زندگی خود را بداند؛ چرا که فرصتها یکی پس از دیگری در حال گذر است. نویسنده درونمایه را به صورت مستقیم بیان می‌کند. «کبریت ششم را روشن کردم عمر کبریت کوتاه بود فقط یک لحظه بود. در آن فرصت کوتاه و در روشنایی کبریت ششم درختهای انار را پیدا کردم» (احمدی، ۱۳۹۲/ث: ۷). لحظه حساس زمانی است که کبریت هفتم هم خاموش می‌شود و دیگر کبریتی نیست که کودک انارها را بچیند. «کبریت هفتم را روشن کردم. عمر کبریت کوتاه بود. فقط یک لحظه بود در باغ باد می‌آمد... در روشنایی کبریت هفتم سبدهای خالی را کنار استخر گذاشتم؛ اما من دیگر کبریت نداشتم که انارها را بچینم...» (همان: ۸). این فرصتهای کوتاه، ظرفیتهای محدودی در اختیار انسان قرار می‌دهد که باید از آنها بخوبی استفاده کرد؛ اما در نگاهی نمادین باید بدانیم که در این مدت کوتاه زندگی، امکان دستیابی به همه خواسته‌ها و آرزوها امکان‌پذیر نیست. هیجان و تعلیق داستان چندان نیست و کودک را به خود جلب نمی‌کند.

داستانهای احمدی سهل و ممتنع است؛ از این رو می‌تواند طیف گسترده‌ای از مخاطبان سنین گوناگون را در بر بگیرد. وجود فضا سازیها، تناسبها، ابهام در شخصیت‌پردازی، ساختار روایت و تکرار ترجیعه‌وار برخی عناصر، گاهی فهم داستان را برای کودک دشوار می‌سازد (حسام‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳)

جدول شماره ۱. درونمایه داستانهای احمدی

نام داستان	موضوع	درونمایه	رابطه عنوان داستان با درونمایه	تناسب درونمایه با گروه سنی کودک	گروه سنی	پایان باز یا بسته
در باران از سفر آمد	مسافرت و دوری پدر از فرزند	دوری و انتظار باعث احساس دلتنگی و تنهایی می شود.	متوسط	متوسط	ب و ج	بسته
عمر هفت کبریت	وقت شناسی، تجربه اندوزی	قدر فرصتها و لحظات زندگی را بیشتر بدانیم	قوی	قوی	ج	بسته
عروس و داماد در باران	مراسم ازدواج	ازدواج باعث افزایش همدلی و محبت می شود	قوی	متوسط	ب و ج	بسته
پروانه روی بالش من	نگرش کودک به اشیاء یا ذره بین	بزرگنمایی پدیدهها میزان شناخت کودک را افزایش می دهد.	ضعیف	متوسط	ب و ج	بسته
شب مهتابی که...	نگرش تخیلی کودک به پدیدهها	نگرش تخیلی به پدیدهها، شناخت کودک را افزایش می دهد.	متوسط	متوسط	ج	باز
باران دیگر نمی بارید	بارش بارشهای رنگی	باران پهنگی باعث رفع تفاوت و باعث سرزندگی می شود.	متوسط	متوسط	ب و ج	بسته
سفر	پرسشگری و کنجکاوی کودک	کنجکاوی و پرسشگری راهی برای درک بهتر جهان پیرامون	متوسط	قوی	ب و ج	بسته
مرا چشم آبی صدا ..	آرزوهای کودکانه	دستیابی به آرزوها دشوار نیست	متوسط	متوسط	ج	بسته
در بهار پرنده را صدا زدیم	تنهایی	تنهایی و دوری از پدر آثار بدی در زندگی کودک دارد.	ضعیف	متوسط	ب و ج	بسته
نوشتم باران باران بارید	دوری از پدر	تنهایی و دوری از پدر آثار بدی در زندگی کودک دارد.	ضعیف	متوسط	ب و ج	بسته
روزی که مه بین پایان بود	گمشدگی، مه و سرگردانی	استفاده از نشانهها و کمک دیگران باعث راهی از سرگردانی می شود	متوسط	متوسط	ب و ج	بسته
اسب و سیب و بهار	با هم بودن اسب و سیب	با هم بودن همدلی و دوستی را زیاد می کند.	ضعیف	متوسط	ب و ج	بسته

۳. شیوه ارائه درونمایه

درونمایه داستانهای احمدی اغلب پنهان و غیرمستقیم است. مخاطب کودک برای دریافت مضمون داستان نیاز به تأمل و دوبارخوانی متن نیاز دارد. «ذهنیت احمدی از جنس تخیل نیست. تخیل، جایگاهی فراسوی واقعیت دارد که به فهم در می آید. تخیل ذهن را جایی مستقر می سازد؛ اما حرکت در آثار احمدی ضداستقرار است» (نعیمی، ۱۳۸۴/ب: ۶۷). این حالت در داستان فانتزی «عروس و داماد» به بیشترین حد خود در میان آثار احمدی رسیده است.

رختخواب انبوه از دانه های سرخ انار بود/ داماد می دانست که در خانه همسایه یک نردبان است که به آسمان می رود/ ماهی هم از حوض خسته شده بود/ نمی دانست در سفیدی خانه از تشنگی می میرد / به کنار جاده شیری رسیدیم/ بر جاده شیر روان بود/ عروس و داماد در باغچه روئیده بود (احمدی، ۱۳۹۲/پ: ۸).

آثار احمدی، که به نام داستان عرضه می شود؛ مصداق عینی نوعی شعر مدرن در ادبیات کودک است که کودکان براحتی نمی توانند با آنها ارتباط برقرار کنند. او در داستان «در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود» بی اینکه مفاهیم شاعرانه و انتزاعی را ساده کند، می کوشد مفاهیم مجرد و انتزاعی را که برای بزرگسالان هم دشوار به نظر می رسد، حفظ، و در قالب نثری آهنگین و متراکم با تکرار سطرهای مشخص عرضه کند.

در ماه فروردین در یک شب مهتابی، که شب چهاردهم ماه بود، ماه بزرگ بود و گرد بود، کودکان به آسمان خیره شدند و دیدند که لکه هایی به دور ماه می چرخند. کودکان همه آن لکه ها را در کتابچه های مشق نقاشی کردند. صبح فردا کودکان نقاشی شان را به همدیگر نشان دادند (احمدی، ۱۳۸۸/الف: ۶-۸-۱۲).

موضوعی که احمدی انتخاب می کند، زیبا و شاعرانه است و استفاده از عناصر طبیعت این زیبایی را دو چندان کرده است. مخاطب برای دریافت درونمایه به تأمل بیشتری نیاز دارد که این مسأله می تواند قوه تفکر کودک را افزایش دهد؛ اما نوع تصویرسازی احمدی، جنس تخیل و نمادهایی (عدد هفت، باران، سفر و...) که در داستان به کار می برد، لذت داستانها را کاهش می دهد. چون نگاه و زاویه دید احمدی اغلب بزرگسالانه است. در برخی از داستانها درونمایه به شیوه مستقیم ارائه شده است.



در داستان «عروس و داماد در باران» احمدی به شیوه مستقیم، مخاطب کودک را با مفاهیم و آداب زندگی زناشویی آشنا می‌کند.

عروس و داماد در زیر باران با دو چتر سفید برای خرید آینه و شمعدان می‌رفتند. عروس و داماد در زیر باران با دو چتر سفید برای خرید لباس عروس می‌رفتند. عروس و داماد در زیر باران با دو چتر سفید برای خرید فرش سفید می‌رفتند. عروس و داماد در زیر باران با دو چتر سفید برای خرید مبل و صندلی می‌رفتند... (احمدی، ۱۳۹۲/ت: ۳).

داستان با تکرار جملات یکسان درباره خرید لوازم زندگی و رفتن عروس و داماد به خانه خود به پایان می‌رسد. در این داستان علاوه بر سفیدبختی و خوشبختی عروس و داماد، همدل و همانند شدن و اشتراک روش و منش را در ازدواج بیان می‌کند که این امر برای مخاطب بزرگسال قابل تأملتر است تا مخاطب کودک؛ اما کودک نیز با مراسم ازدواج و آداب و رسوم آن آشنا می‌شود. در واقع این مفاهیم اغلب بین دنیای کودک و بزرگسال مشترک است.

جدول شماره ۲. شیوه ارائه درونمایه در داستانهای احمدی

نام داستان	درونمایه	درونمایه آشکار	درونمایه پنهان	درونمایه مبهم	ارائه درونمایه در آغاز	ارائه درونمایه در میانه	ارائه درونمایه در پایان
درباران از سفر آمد	دوری و انتظار باعث انسردهی و تنهایی می‌شود	*	*				*
عمر هفت چوب کبریت	قدر فرصتها و لحظات زندگی را بیشتر بدانیم	*					*
عروس و داماد در باران	ازدواج باعص افزایش همدلی و محبت می‌شود	*			*		
پروانه روی بالش من	بزرگنمایی پدیده‌ها میزان شناخت کودک را افزایش می‌دهد	*	*				*
شب مهتابی که ...	نگرش تخیلی به پدیده‌ها، شناخت کودک را افزایش می‌دهد.	*	*			*	

*				*	باران بیرنگی باعث رفع تفاوت و باعث سرزندگی می شود.	باران دیگر نمی بارید
*				*	کنجکاو و پرسشگری راهی برای درک بهتر جهان پیرامون	سفر
*				*	دستیابی به آرزوها دشوار نیست	مرا چشم آبی صدا ...
*				*	همدلی باعث رفع تنهایی می شود	در بهار پرنده را صدا زدیم
*				*	تنهایی و دوری از پدر آثار بدی در زندگی کودک دارد.	نوشتن باران باران بارید
	*			*	بازگشت پدر باعث رفع دلنگی و انتظار می شود.	اسب و سیب و بهار
*				*	استفاده از نشانه‌ها و کمک دیگران باعث رهایی از سرگردانی می شود	روزی که مه بی پایان بود

۴. تناسب درونمایه با ویژگی مخاطب (کودک)

یکی از مسائل مهم و قابل توجه برای ورود به حوزه ادبیات کودک، توجه به ویژگیهای روحی و روانی، توانایی درک و دریافت، نیازها و دنیای کودک است. نویسنده ادبیات کودک باید مخاطب خود را از نظر علمی (روانشناسی) خوب بشناسد؛ موضوعی که اغلب نویسندگان کودک از آن غافلند. شناخت ویژگی روانی، اجتماعی و عاطفی کودک، به نویسنده کمک می‌کند اثری متناسب با نیازهای مخاطب خویش خلق کند. داستانهای احمدی اغلب برای گروه سنی ب (سالهای آغاز دبستان) و ج (کودکان ۹ تا ۱۲ سال) نوشته شده است. بر اساس یافته‌های روانشناسی، کودک ۹ تا ۱۲ سال در نوعی فشار روحی و روانی به سر می‌برد و ممکن است با آموزگار یا پدر و مادر خود برخورد پیدا کند و همچنین آنها در پی استقلال و فاصله گرفتن از بزرگسالان هستند؛ کنجکاو و پویا هستند و می‌خواهند راه‌حل مسائل را بیابند. این استقلال در تفکر و

سخن گفتن آنها مشخص می‌شود؛ طوری که از بزرگترها کمتر پیروی می‌کند. کودک با مفاهیم تجربیدی آشنا، و به درک بعضی از مفاهیم توانا می‌شود. آینده‌نگری و تفکر انتقادی نیز در او مشاهده می‌شود (ر.ک حافظی، ۱۳۸۰: ۱۳).

درواقع داستانهای احمدی بیشتر دربارهٔ کودکان است تا برای کودک. او تا حدودی برای مخاطب همه چیز را از زاویهٔ ذهن خویش و با تخیلی فراتر از ذهن کودک ارائه می‌کند. چیزهایی که کودک باید بداند با تعلیق و هیجانی کم از سوی نویسنده روایت می‌شود؛ برای مثال در داستان «سفر» احمدی با توجه به طرح پرسشهای گوناگون از سوی کودک به دنبال تبیین هستی و چیستی پدیده‌ها و انتقال این مفهوم به کودک است.

پسرک از پدر پرسید: آیا نام باران فقط باران است؟ مدت‌ها است که باران نیامده است. آیا کلمهٔ باران در جهان مرده است؟ صبح روز اول زمستان پدر به پسرک گفت: باران می‌بارد. درختان شکوفه دارند کلمهٔ باران دوباره متولد می‌شود. پسرک از پدر پرسید: آیا نام گندم فقط گندم است؟ اگر گندم سبز نشود، آیا کلمهٔ گندم در جهان از بین می‌رود؟» (احمدی، ۱۳۹۲/الف: ۷-۱۵).

احمدی موضوع مهم و قابل توجهی را برای داستان انتخاب می‌کند؛ موضوعی فلسفی و پرسش برانگیز. شناخت هستی و چیستی پدیده‌ها و جهان همواره برای کودک سؤال برانگیز بوده است و بزرگسالان برای تبیین موضوع و تفهیم کودک در این مسأله چندان موفق نبوده‌اند. گفت‌وگوی بین پدر و پسر برای ارضای حس کنجکاوی مخاطب کودک است. داستان بدون هیچ هیجان یا کنشی خاص به صورت گزارش از سوی نویسنده بیان می‌شود. البته ایجاد فرصت و فراهم کردن زمینهٔ بیان پرسش کودکانه و نقش این پرسش در تربیت و ارتقای ذهن و زبان کودک قابل تحسین است.

در داستان «در باران از سفر آمد» اگرچه احمدی با حذف فاعل جمله (پدر) میزان کنجکاوی و حس تعلیق را افزایش می‌دهد، کودک در داستان، نقش زیادی ندارد. او در انتظار آمدن پدر، روزهای هفته را یکی پس از دیگری طی، و حوادث هر روز را برای مادرش گزارش، و مادر هم سکوت می‌کند تا اینکه روز جمعه در باران، شخصی با چتری به سوی خانه می‌آید. مادر سکوت خود را می‌شکند و می‌گوید پدرت در باران از سفر آمد.

صبح روز چهارم پسرک پنجره را رو به کوچه باز کرد و گفت: مادر بیا نگاه کن، یک مزرعه گندم پشت پنجره ما روییده است. نوازندگان در مزرعه گندم، ساز می‌نوازند.

دیشب یک بادکنک زرد رنگ را در باد رها کردم. مادر سکوت کرد و پسرک را نگاه کرد.... صبح روز پنجم، پسرک پنجره را رو به کوچه باز کرد و گفت: مادر بیا نگاه کن. هزاران طاووس در کوچه، بالهای خود را باز کرده‌اند و هزاران طوطی سبز مرا صدا می‌زنند. مادر سکوت کرد (احمدی، ۱۳۹۲، ب: ۲۰ و ۷).

دوری از پدر یا مادر یا انتظار آمدن آنها همیشه برای بچه‌ها دشوار بوده است و واکنش خاصی نسبت به آن نشان می‌دهند؛ اما در این داستان، انتظار آمدن پدر برای کودک چندان مورد توجه نیست. هیجان، تنش و نگرانی و یا حتی شوق دیدار پدر در داستان دیده نمی‌شود. درونمایه داستان با روحیه و ویژگی کودک متناسب نیست. کودک، دنیایی سراسر شور و نشاط و هیجان دارد. کودک در این داستان هیچ حسی نسبت به آمدن پدر ندارد و در طول هفت روز هفته، این حس انتظار و دلواپسی کودکانه دیده نمی‌شود. احمدرضا احمدی بر پردازش شخصیتها برای برقراری ارتباط با مخاطب خود تأکیدی نمی‌کند. او از دریچه ذهن خود به طبیعت و عناصر پیرامونش می‌نگرد و برای کودک تصویرسازی می‌کند؛ تصویری که گاهی برای کودک چندان قابل فهم نیست. در داستان «کبوتر سفید و آینه»، احمدی قصد دارد سیر و سفر سلوک ماندی را شکل دهد و دختری را از فضای بسته خانه بیرون ببرد و با شوق جستجو در هستی دوباره به خانه برگرداند. در این سفر هستی‌شناسانه، پرنده‌ای مانند کبوتر انگیزه‌ای می‌شود برای حضور دختر در این سفر و شناخت هستی.

دخترک چشم به آسمان داشت. می‌رفت. می‌رفت که به دریا رسید. کبوتر سفید روی یک قایق نشسته بود. دخترک سوار قایق دیگری شد و پارو زنان به سوی کبوتر رفت. کبوتر از صدای پاروهای قایق دخترک پرواز کرد و در آسمان گم شد. دخترک در کف قایق یک پر آبی پیدا کرد که از رنگ آبی دریا آبی شده بود. دخترک پری سفید و پری آبی در دست داشت اما کبوتر سفید را می‌خواست (احمدی، ۱۳۸۸، ب: ۸).

دختر در هر مرحله یکی از پرهای کبوتر را که به رنگ معینی درآمده است به دست می‌آورد. تعداد پرها هفت تا است. رنگ پرها و پیدا کردن آنها در هر مرحله قابل تأویل است. یادآور هفت وادی عرفان است و کشف و شهودی عارفانه. «هر کدام از پرهای کبوتر نشان و تمثیل یک وادی از هفت وادی عرفان و نشانگر حصول و غایت عرفانی است. کبوتر سفید هم تمثیلی از پاکی و معصومیت روح خود دختر است» (پارسایی، ۱۳۸۹: ۲۷). کودک نه تنها برای دریافت درونمایه دچار مشکل می‌شود، بلکه به



تأمل و تلاش زیادی برای تأویل و تفسیر نمادها نیاز دارد؛ نمادهایی که برساخته ذهن و تخیل بزرگسال است تا کودک.

۵. بررسی درونمایه داستانهای مک دونالد

درونمایه داستانهای دونالد درباره زندگی و دنیای کودکان است؛ دنیایی که در آن از نفوذ و دخالت بزرگترها خبری نیست. دونالد در مجموعه چند جلدی «جودی دمدمی»، لحظات شاد و هیجان‌انگیزی را برای کودکان رقم می‌زند. او توانسته است گستردگی دنیای کودک را زمانی که در معرض عوامل و فشارهای جدید بیرون از خانه است، بخوبی نشان دهد. موضوع داستانهای دونالد بیشتر درباره زندگی کودک و تقابل او با بزرگسالان و دنیای آنها است.

جدول شماره ۳. درونمایه داستانهای دونالد

موضوع	نوع	رابطه با درونمایه	رابطه بین شخصیت‌ها	نوع روایت	نوع روایت	نوع روایت
علاقه کودک به پزشکی	علاقه کودک به پزشکی	متوسط	قوی	علاقه کودک به پزشکی	علاقه کودک به پزشکی	علاقه کودک به پزشکی
مسئولیت‌های بزرگ است	مسئولیت‌های بزرگ است	متوسط	قوی	مسئولیت‌های بزرگ است	مسئولیت‌های بزرگ است	مسئولیت‌های بزرگ است
ماجراجویی در شکوفایی استعداد کودک تأثیر زیادی دارد	ماجراجویی - تفریح	متوسط	قوی	ماجراجویی در شکوفایی استعداد کودک تأثیر زیادی دارد	ماجراجویی - تفریح	ماجراجویی در شکوفایی استعداد کودک تأثیر زیادی دارد
مسئولیت‌پذیری	مسئولیت‌پذیری	متوسط	قوی	مسئولیت‌پذیری	مسئولیت‌پذیری	مسئولیت‌پذیری
کنجکاوی	کنجکاوی	متوسط	قوی	کنجکاوی	کنجکاوی	کنجکاوی
تلاش برای نجات کره زمین	تلاش برای نجات کره زمین	متوسط	قوی	تلاش برای نجات کره زمین	تلاش برای نجات کره زمین	تلاش برای نجات کره زمین
کالچ رفتن جودی	کالچ رفتن جودی	متوسط	قوی	کالچ رفتن جودی	کالچ رفتن جودی	کالچ رفتن جودی
فهرمان پروری جرات داشتن	فهرمان پروری جرات داشتن	متوسط	قوی	فهرمان پروری جرات داشتن	فهرمان پروری جرات داشتن	فهرمان پروری جرات داشتن
پزشکویی آینده‌نگری کودک را افزایش می‌دهد.	پزشکویی	متوسط	قوی	پزشکویی آینده‌نگری کودک را افزایش می‌دهد.	پزشکویی	پزشکویی
تفریح و جهانگردی تجربه و شناخت کودک را زیاد می‌کند.	سرگرمی و جهانگردی	متوسط	قوی	تفریح و جهانگردی تجربه و شناخت کودک را زیاد می‌کند.	سرگرمی و جهانگردی	تفریح و جهانگردی
تلاش و پشتکار	تلاش و پشتکار	متوسط	قوی	تلاش و پشتکار	تلاش و پشتکار	تلاش و پشتکار

۵-۱-۱ تنوع و بسامد درونمایه‌ها

درونمایه داستانهای دونالد درباره مسائلی چون تقویت حس ماجراجویی در کودک، افزایش قدرت کنجکاوی، خطرپذیری، اهمیت حفظ محیط زیست و نجات کره زمین و ترغیب کودک به ساختن آینده، افزایش قدرت خودباوری و اعتماد به نفس در کودک است. مجموعه «جودی دمدی» جزء رمانهای سریالی است.

رمانهای سریالی که در آنها شخصیت معینی هر بار در موقعیتهای گوناگون و در رابطه با حوادث تازه‌ای ظاهر می‌شوند و می‌تواند برای کودکان بسیار جذاب و گیرا باشد. کودک، همواره شخصیت‌های کارتونی، فانزیک و شناخته‌شده داستانی را دنبال می‌کند و کنجکاوی است که بداند شخصیت مورد علاقه‌اش در کتاب بعدی چگونه ظاهر می‌شود و چطور او را می‌خنداند و یا به هیجان می‌آورد و سرگرمش می‌کند (میرغیائی، ۱۳۸۷: ۳۵).

این ویژگیها در مجموعه جودی دیده می‌شود.

۵-۱-۱-۱ توجه به نقش مهم آموزش و پرورش کودک

مقوله آموزش، تعلیم و تربیت در داستانهای دونالد ویژگیهای خاص و منحصر به فردی دارد که با نظام آموزشی در کشورهای دیگر (ایران) کمی متفاوت است. در مدارس ایران بیشتر وقت بچه‌ها صرف مسأله آموزش و کسب دانش می‌شود که در نوع خود مهم و تأثیرگذار است؛ اما در کنار مسائل آموزشی، نشاط، شادی، لذت و سرگرمی می‌تواند سودمند باشد و مسائل آموزشی را بهتر انتقال دهد.

مدارس، بیشتر انرژی و وقت خود را صرف جنبه آموزشی بچه‌ها می‌کنند. والدین نیز تقریباً همان اندازه وقت و انرژی خود را صرف گسترش دامنه‌شناختی و اطلاعاتی فرزندان خود می‌کنند. ادبیات کودک ما هم امروز با آنها تا حدود زیادی همراستا شده و از مقوله لذت و شادی غافل شده است (نعیمی، ۱۳۸۴/الف: ۵).

در داستانهای دونالد، علاوه بر مسائل تربیتی و آموزشی به تفریح و سرگرمی نیز توجه شده است. دونالد در مجموعه «جودی دمدی» تلاش کرده است تا فضای مدرسه‌ای را خلق کند؛ فضایی که کودک در کنار آموزش به تفریح، لذت و سرگرمی بپردازد.

آقای تاد گفت: ما امروز درس جدیدی درباره بدن انسان داریم. از فرق سر تا نوک پا. جسیکا گفت: قرار است طناب بزنی و ضربان قلبمان را اندازه بگیریم. راکی

گفت: و «تویستر» بازی کنیم تا یک چیزهایی درباره ماهیچه‌هایمان یاد بگیریم. آلیسون هم گفت: و شعری درباره استخوانها بخوانیم... آقای تاد آهنگ شاد و بامزه‌ای را یادشان داد که این طوری شروع می‌شد: اون استخون پا به اون استخون قوزک وصله..» (دونالد، ۱۳۹۲ الف: ۲۶-۲۷).

جودی و دوستانش برای یادگیری اعضای بدن انسان به بازی و شعرخوانی می‌پردازند. ایجاد فضایی شاد و مهیج برای آموزش، یکی از مسائلی است که نویسنده به آن اشاره، و به صورت غیرمستقیم به والدین و مربیان نیز آن را توصیه می‌کند.

۲-۱-۵ اهمیت نجات کره زمین برای زندگی

از درونمایه‌های دیگر داستانهای دونالد، اهمیت حفظ محیط زیست و ترغیب کودک به سالم نگهداشتن محیط زندگی است. دونالد در داستان «جودی دنیا را نجات می‌دهد» در قالبی تخیلی می‌کوشد تا اهمیت حفظ محیط زیست را برای کودکان بیان کند. نویسنده به خطر نابودی جنگلها، گونه‌های کمیاب طبیعت، افزایش زباله و ... اشاره می‌کند و به مخاطب آموزش می‌دهد که چگونه می‌تواند به زمین کمک کند و در بهبود وضع زیستی دنیای پیرامون خویش مؤثر باشد.

مامان گفت: این هم ناهارت. جودی گفت: مامان چرا توی پاکت گذاشتید؟ استینک گفت: اشکالش چیه؟ جودی گفت: نمی‌فهمی برای درست کردن پاکت، درختها را قطع می‌کنند. درختها سایه دارند، آنها گرم شدن زمین را کنترل می‌کنند. من امروز با دو چرخه می‌روم مدرسه تا در مصرف سوخت صرفه‌جویی و هوا را کمتر آلوده کنم.. (دونالد، ۱۳۹۲ ب: ۵۶).

جودی حتی در مدرسه از بچه‌ها می‌خواهد تا زباله‌هایشان را تفکیک کنند و مدادشان را کمتر بتراشند تا درختان کمتری برای درست کردن آن قطع شود. نویسنده حفاظت از کره زمین را وظیفه همه می‌داند. دونالد از طریق شخصیت «جودی» مسأله محیط زیست را مطرح می‌کند و از همه می‌خواهد تا در حفظ آن کوشا باشند.

۳-۱-۵ آماده کردن کودک برای پذیرش مسئولیتهای بزرگ (آینده‌نگری)

یکی از درونمایه‌هایی که دونالد در داستانهایش مطرح می‌کند، توجه به آینده کودک و آماده کردن او برای پذیرش مسئولیتهای خطیر دوره بزرگسالی است. این زمینه‌سازی در تمام داستانهای دونالد دیده می‌شود. در داستان «جودی دکتر می‌شود» نویسنده از دوران

کودکی و بر اساس کنجکاوی و علاقه کودک به علم پزشکی، زمینه را برای پذیرش امور و مسئولیتهای بزرگ فراهم می کند.

والدین، مربیان و مسئولان نظام تعلیم و تربیت همیشه نسبت به آینده کودک و انتخاب مسیر زندگی او دچار تردید هستند. اغلب والدین بدون در نظر گرفتن علاقه و استعداد کودک، او را وادار می کنند تا مسیر و هدف دلخواه آنها را انتخاب کند. در داستانهای دونالد، کودک بدون دخالت دیگران و بر اساس علاقه و انگیزه خود، حرفه یا مسیر زندگی را انتخاب می کند. دونالد در قالب حوادث شاد و هیجان انگیز داستان توانسته است گوشه ای از توانمندی، علایق و دنیای کودکان را به نمایش بگذارد. «جودی» شخصیت اصلی داستانها، دوست دارد در آینده دکتر شود. او با اشتیاق فراوان خود را دکتر معرفی می کند. «روز دکتري، روزی بود که جودی باید مثل اولین زن دکتر، لباس می پوشید و یک عمل جراحی واقعی انجام دهد. او لباس دکتریش را پوشید و گوشیش را به گردن انداخت و شروع به جراحی کرد...» (دونالد، ۱۳۹۲/الف: ۹۸). جودی بخوبی می تواند با مخاطب کودک ارتباط برقرار کند. شخصیت پردازی قوی و مناسب شخصیت «جودی» باعث شده است مخاطب کودک براحتی با او همزادپنداری کند. آینده نگری جودی در قالب کارهای هیجان انگیز، محرکی می شود که کودک، استعداد و علایق خود را شناسایی و برای آینده و رسیدن به آن برنامه ریزی کند. جودی به دنبال کشف داروهای گیاهی و درمان بیماریهای غیرقابل درمان در آینده نزدیک است. «جودی گفت: شاید یک دارویی لای این دندانهای سبز بامزه قایم شده باشد. می خواهم روی گیاهانی مثل این مطالعه کنم و داروی بیماریهای غیر قابل درمان را کشف کنم» (دونالد، ۱۳۹۲/ب: ۶۴). این اعتماد به نفس و خودباوری باعث می شود کودک در آینده به آنچه می خواهد آسانتر دست پیدا کند. این مسأله نه تنها در خانه بلکه در مدرسه هم دنبال می شود. فضای مدرسه نیز این امکان را به جودی می دهد که بتواند استعداد و خودباوریش را نشان دهد.

۶. شیوه ارائه درونمایه

اغلب درونمایه داستانهای دونالد به شیوه غیرمستقیم ارائه شده است. در جدول شماره ۴ شیوه ارائه درونمایه مشخص شده است.



جدول شماره ۴. شیوه ارائه درونمایه داستانهای دونالد

نام داستان	درونمایه	درونمایه آنسکار	درونمایه نهان	درونمایه منبر	ارائه درونمایه در آغاز	ارائه درونمایه در میانه	ارائه درونمایه در پایان	فهرمان داستان حیوان یا انسان
جودی دگر می‌سود	علاقه کودک به پزشکی زمینهای برای پذیرش مسئولیتهای بزرگ است.	*	*		*			کودک - دگر
جودی و نایسان برماجرا	ماجرایی در شکوفایی استعداد کودک تأثیر زیادی دارد.	*	*			*		کودک - دگر
جودی کار آگاه می‌سود	مسئولیت پذیری کودک را برای آینده آماده می‌کند.	*	*			*		کودک - دگر
جودی انجمن مخفی نسکلی -	کنجکاوی کودک باید در مسیر درست هدایت شود.	*	*			*		کودک - دگر
جودی دنیا را نجات می‌دهد.	نجات کره زمین وظیفه همدگانی است.	*	*			*		کودک - دگر
جودی به کالج می‌رود	توجه به مقوله آموزش و تغییر نگرش در آموزش کودک	*	*			*		کودک - دگر
جودی مشهور می‌سود	فهرمان پروری کودک را در بیان تواناییهای بزرگی می‌دهد.	*	*			*		کودک - دگر
جودی آینده را بیسگونی می‌کند.	پیشگویی آینده نگر کودک را افزایش می‌دهد.	*	*			*		کودک - دگر
دور دنیا در هفت روز	تفریح و جهانگردی تجربه و شناخت کودک را زیاد می‌کند.	*	*			*		کودک - دگر
در جستجوی کنج	تلاش و پشتکار مقدمه پرورزی است.	*	*			*		کودک - دگر

۷. تناسب درونمایه با مخاطب کودک

دونالد، شخصیت کودک را بخوبی می‌شناسد و سعی می‌کند دنیای او را در داستانهایش به نمایش بگذارد. مجموعه جودی دمدمی برای گروه سنی «ج» منتشر شده است. در این دوره سنی - براساس نظریه رشد روانی اجتماعی اریکسون - کودک در منزل و در مدرسه، عمدتاً به عنوان وسیله‌ای برای کسب شهرت و کسب لذت حاصل از انجام دادن تکلیف، کار کردن و کارآمد بودن را می‌آموزد. علاوه بر این تواناییهای تازه کودک در استدلال قیاسی و توانایی بازیهای قاعده‌دار (به جای

بازیهای تصادفی) در خانه و مدرسه، هر دو به رشد و اصلاح مهارتهایی منجر می شود که در ساختن چیزها آشکار می گردد (پارسایی، ۱۳۹۱: ۴).

۷-۱ بازی و سرگرمی معطوف به آموزش

استفاده از بازی و سرگرمیهای مورد علاقه کودک برای شکل دهی موضوع و پردازش درونمایه اهمیت زیادی دارد. «پیاژه بازی را تفکر کودک می داند و اظهار می کند که بازی «فعالیتی است که هدفش در خود آن است» و از «لذت محض» برمی خیزد» (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۲۱۷). لذت و سرگرمی عنصری است که داستانهای دونالد را برای مخاطب جذاب می کند (لذت و سرگرمی درکنار آموزش و تعلیم). دونالد در داستان «جودی و تابستان پر ماجرا» تلفیق بازی و سرگرمی و آموزش را بخوبی نشان می دهد. جودی برای استفاده مناسب از تعطیلات تابستان به دنبال خلق موقعیتی شاد و هیجان انگیز است. جودی با دوستانش تصمیم می گیرد کارهای هیجان انگیز و ترسناک انجام دهند، آنهم در قالب یک مسابقه؛ رقابتی شاد و هیجان انگیز.

جودی گفت: ایمی و راکی عزیز. بیاید یک مسابقه کارهای هیجان انگیز و شجاعانه بگذاریم. اولین نفری که صد امتیاز بگیرد برنده است. انجام دادن کارهای هیجانی و ترسناک... فرانک از خوشحالی بالا و پایین پرید: خب اولین کار شجاعانه چیه؟ جودی عکس راکی را که روی طناب بندبازی راه می رفت جلوی صورت فرانک تکان داد (دونالد، ۱۳۹۲: ۵۸).

مجموعه داستانهای دونالد سرشار از بازی و سرگرمی و لذت است. «داستانهای جذاب و سرگرم کننده بسیاری می توان نوشت که در آن، کودکان در کار سروسامان دادن به یاران هم گروهند تا به ابراز و سنجش شایستگیها و تواناییهای خود در مسابقه یا بازی با گروه کودکانی پردازند که برای بازی یا رقابتهای تحصیلی آماده شده اند» (حافظی، ۱۳۸۰: ۲۶).

۷-۲ تقویت آینده نگری در کودک (نسل اندیشی)

توجه به آینده، علایق و توانمندیهای کودک مسأله مهمی است. دونالد در قالب حوادث شاد و هیجان انگیز داستان توانست گوشه ای از دنیای کودکان را به نمایش بگذارد. کودک داستانهای دونالد برای آینده تصمیم می گیرد و از کودکی خود را آماده می کند. «روز دکتری، روزی بود که جودی باید مثل اولین زن دکتر، لباس می پوشید و یک عمل جراحی واقعی انجام دهد. او لباس دکتری را پوشید و گوشیش را به گردن انداخت و

شروع به جراحی کرد...» (دونالد، ۱۳۹۲ الف: ۹۸). جودی بخوبی می‌تواند با مخاطب کودک ارتباط برقرار کند. شخصیت پردازی قوی و متناسب با ویژگی کودکان باعث می‌شود مخاطب براحتی با او همزاد پنداری کند.

۷-۳ انعکاس دوران کودکی (شیطنت، شادی و...)

شخصیت جودی در یک روز دلگیر دوست ندارد به مدرسه برود و برای همین وانمود می‌کند که مریض است:

جودی گفت: اُریون است. راستی راستی اُریون گرفتم. استینک گفت: اُریون! امکان نداره تو واکسن زدی مگه نه مامان؟ جودی گفت: شاید یکی از ویروسهای اُریون یک جوری وارد بدنم شده. مامان گفت: انگار امروز یک نفر دلش نمی‌خواهد مدرسه برود (دونالد، ۱۳۹۰ الف: ۲۰).

دونالد خواسته‌ها و دغدغه‌های کودکان، بی‌حوصلگی، دمدمی مزاج بودن، انجام دادن کارهای شگفت‌انگیز و باورنکردنی را که در دنیای کودکان اتفاق می‌افتد، نمایش می‌دهد. گاهی کودکان از انجام برخی کارها خودداری، و احساس بی‌حوصلگی و تنبلی می‌کنند و دوست دارند همیشه در حال بازی و تفریح باشند. جودی نیز دوست ندارد تعطیلات تابستان تمام شود و به مدرسه برود: «جودی دلش نمی‌خواست تعطیلات تابستان تمام شود و هجی کلمات را حفظ کند... مامان با صدای بلند گفت: اولین روز مدرسه! بجنب لباس بپوش. جودی یواشکی جیم شد زیر ملافه‌ها و بالش را روی سرش گذاشت...» (همان: ۱۹). بعضی مواقع کودکان حوصله رفتن به مدرسه یا انجام دادن تکالیف درسی را ندارند. این ویژگی به صورت نسبی در بیشتر کودکان دیده می‌شود.

۷-۴ خودباوری و اعتماد به نفس

جودی کودکی است که توانایی متقاعد کردن بزرگترها (پدر و مادر) و حتی ارشاد کردن آنها را دارد.

یک عالمه درخت را قطع می‌کنند تا به جایش قهوه بکارند و لوازم آرایشی و آدامس تولید کنند. کره زمین خانه ماست. باید نجاتش دهیم. مامان از پله با صدای بلند گفت: اگر آرایش نکردن من خوشحالت می‌کند، امروز آرایش نمی‌کنم. بابا گفت: من هم نصف فنجان، قهوه می‌خورم.. (دونالد، ۱۳۹۲ ب: ۵۶ و ۵۵).

جودی در محیط آموزشی هم دانش آموزان را به حفظ محیط زیست و نجات کره زمین ترغیب می‌کند. در واقع این خودباوری و اعتماد به نفس زیاد را در خود می‌بیند که بتواند به کار بزرگی دست بزند. کودک مخاطب نیز با شخصیت جودی همزاد پنداری می‌کند و این عزت نفس در درون او نهادینه می‌شود. کنجکاوی، دقت، تفکر و تعقل، پشتکار، کوشش همراه با هیجان و ماجراجویی عناصر تشکیل‌دهنده داستانهای دونالد است. در داستانهای احمدی چنین ویژگیهایی کمتر دیده می‌شود. او مسائل را برای کودکان بیان می‌کند که کودک در حوادث داستان نقشی ندارد؛ اما در داستانهای دونالد، کودک در مرکز حوادث داستان قرار دارد. شخصیت اصلی داستان جودی، یک دختر بچه کلاس سوم است که حوادث داستان حول محور این شخصیت رخ می‌دهد. دیگر شخصیت‌های فرعی داستان استینک و برادر جودی، بابا، مامان، آقای تاد، راکي و فرانک هستند. حوادث داستان به گونه‌ای رقم خورده است که شخصیت‌های کودک داستان بخوبی شخصیت‌پردازی شده و باورپذیر و قابل درک برای مخاطب کودک است به گونه‌ای که کودک با آن همزاد پنداری می‌کند.

۸. نتیجه‌گیری

درونمایه داستانهای احمدی و دونالد و نگرش آنها به کودک متفاوت است. کودک در داستانهای احمدی نسبت به آثار دونالد، کمترین نقش را در داستان دارد. داستانهای دونالد درباره زندگی کودک، خواسته‌ها و نیازهای اوست. دونالد کودک و دنیای آنان را بخوبی می‌شناسد. به همین سبب داستان‌هایش با زندگی کودک تناسب بیشتری دارد. درونمایه داستانهای دونالد درباره مسائلی چون آماده کردن کودک برای پذیرش مسئولیت‌های زندگی، نقش مهم ماجراجویی و کنجکاوی در پیشرفت کودک، خطرپذیری کودک برای مقابله با مشکلات زندگی، اهمیت و توجه به آینده کودک، نسل‌اندیشی، افزایش تجربه کودک بر اثر جهانگردی و سفر به دنیا است؛ اما درونمایه داستانهای احمدی، تأثیرات تنهایی در زندگی کودک، شناخت بهتر پدیده‌ها بر اثر نگرش تخیلی و کودکانه، قدر فرصت‌های زندگی را بهتر دانستن، همدلی و عشق در ازدواجی ساده و.. است. تنوع درونمایه در داستانهای احمدی نسبت به داستانهای دونالد بیشتر است؛ اما کودک محوری و تناسب داستانها با شخصیت و ویژگی روحی و روانی کودک در داستانهای دونالد چشمگیرتر است. کنجکاوی، دقت، تفکر و تعقل، پشتکار، کوشش



همراه با هیجان و ماجراجویی، عناصر تشکیل دهنده داستانهای دونالد است؛ درحالی که عناصر طبیعت (مهتاب، درخت، پرنده، برف، باران، مه و ...) و چیستی و چگونگی آنها بیشترین بسامد را در داستانهای احمدی به خود اختصاص داده است. کودک در داستانهای دونالد این توانایی را دارد که در مقابل بزرگترها بایستد و اشتباه یا خطای آنان را گوشزد کند؛ خودباوری و اعتماد به نفس زیادی دارد به طوری که می‌خواهد دنیا را نجات دهد؛ اما در داستانهای احمدی، کودک، تحرک و نقش چندانی در حوادث ندارد. درواقع داستانهای احمدی بیشتر دربارهٔ کودکان است تا برای کودک؛ احمدی برای مخاطب همه چیز را از زاویهٔ ذهن خویش و با تخیلی فراتر از ذهن کودک ارائه می‌کند. چیزهایی که کودک باید بداند، بدون هیچ تعلیق یا هیجانی از سوی نویسنده روایت می‌شود. بررسی تطبیقی درونمایهٔ داستانهای دو نویسنده نوع نگرش دو فرهنگ متفاوت به کودک را نشان می‌دهد. دونالد اغلب مسائل دربارهٔ کودک و زندگی او مطرح می‌کند و درواقع اگرچه فرهنگی متفاوت با کشور ایران دارد، سعی می‌کند کودکی را نشان دهد که فرا منطقه‌ای باشد؛ یعنی کودکی را به تصویر می‌کشد که در همهٔ جهان می‌توان نمونه‌ای از آن یافت.

شیوهٔ ارائهٔ درونمایه در داستانهای دو نویسنده اغلب غیرمستقیم است. این ویژگی در داستانهای احمدی چشمگیرتر است. چون احمدی در داستانهایش از نمادهای گوناگونی چون آب، عدد هفت، سیب، باد و.. استفاده می‌کند. پایان داستانهای احمدی بسته و حالت خنثی دارد؛ در حالی که پایان داستانهای دونالد باز و اغلب پایانی خوش و هیجان‌انگیز دارد. شخصیت اصلی داستانهای دونالد برخلاف داستانهای احمدی، اغلب کودک است و در داستان نقش مهمی ایفا می‌کند و به همین دلیل همزاد پنداری با مخاطب کودک قویتر است. نسل‌اندیشی و آینده‌نگری، ایجاد انگیزه در کودک برای تصمیم‌گیری در زندگی، مهمترین ویژگی داستانهای دونالد است. اگرچه شخصیت اصلی داستانهای احمدی نیز کودک است، این کودک، رفتار و حرکات کودکانه از خود نشان نمی‌دهد.

پی‌نوشت:

1. MeganMcDonald

_____ بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای کودک احمدرضا احمدی و مگان مک دونالد

منابع

الف) کتابها

- احمدی، احمدرضا؛ *در باران از سفر آمد*؛ (ب) چ دوم، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲.
- _____؛ *عمر هفت چوب کبریت*؛ (ث) چ دوم، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲.
- _____؛ *سفر*؛ (الف)، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲.
- _____؛ *عروس و داماد در باران*؛ (ت)، تهران: نشر افق، ۱۳۹۲.
- _____؛ *در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود*؛ (الف)، چ دوم، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۸.
- _____؛ *پروانه روی بالش من به خواب رفته*؛ (ج)، چ دوم، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲.
- _____؛ *دیگر باران نمی بارید*؛ (چ)، تهران: نشر نظر، ۱۳۹۲.
- _____؛ *کبوتر سفید و آینه*؛ (ب)، تهران: نشر نظر، ۱۳۸۸.
- _____؛ *در بهار پرنده را صدا زدیم جواب داد*؛ (ح)، تهران: نشر افق، ۱۳۹۲.
- _____؛ *روزی که مه بی پایان بود*؛ (الف)، تهران: نشر شباوین، ۱۳۸۴.
- _____؛ *اسب و سیب و بهار*؛ تهران: نشر نظر، ۱۳۸۵.
- _____؛ *نوشتن باران باران بارید*؛ (ب)، تهران: نشر نظر، ۱۳۸۴.
- _____؛ *عروس و داماد در باغچه روئیده بود*؛ (پ)، تهران: نشر شباوین، ۱۳۹۲.
- دونالد، مگان مک؛ *مجموعه جودی دمدی (۱۰ جلدی)*؛ ترجمه محبوبه نجف‌خانی، تهران: نشر افق، ۱۳۹۲.
- _____؛ *جودی دکتر می‌شود*؛ (الف)، ترجمه محبوبه نجف‌خانی، تهران: افق، ۱۳۹۲.
- _____؛ *جودی دنیا را نجات می‌دهد*؛ (ب)، ترجمه محبوبه نجف‌خانی، چ سیزدهم، تهران: افق، ۱۳۹۲.
- _____؛ *جودی و تعطیلات پر ماجرا*؛ (پ)، ترجمه محبوبه نجف‌خانی، چ سیزدهم، تهران: افق، ۱۳۹۲.
- خسرو نژاد، مرتضی؛ *معصومیت و تجربه*؛ چ پنجم، تهران: مرکز، ۱۳۸۲.
- _____؛ *دیگرخوانی‌های ناگزیر؛ نقد و نظریه ادبیات کودک*؛ تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان، ۱۳۸۴.
- میرصادقی، جمال؛ *عناصر داستان*؛ چ سوم، تهران: سخن، ۱۳۷۶.
- نورتون، دونا و ساندر؛ *شناخت ادبیات کودکان؛ گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک*؛ ترجمه منصوره راعی و دیگران، تهران: قلمرو، ۱۳۸۲.

ب) مقالات

- انصاریان، معصومه؛ «مقاله‌کودک امروز را باید از نو شناخت»؛ کتاب ماه کودک و نوجوان، مرداد، ش ۴۶، ۱۳۸۰.
- پارسایی، حسن؛ «انتزاع و تجربه‌گرایی یکسویه؛ نقد دو اثر داستانی احمدرضا احمدی»؛ کتاب ماه کودک و نوجوان، اسفند، ش ۱۶۱، ص ۲۴ تا ۲۹، ۱۳۸۹.
- _____؛ «نقد و بررسی «بازی» گونگی زندگی از نگاه تخیلی و داستانی کودکان»؛ کتاب ماه کودک و نوجوان، آذر، ش ۱۸۲، ص ۱۳-۲۳، ۱۳۹۱.
- حافظی، علی؛ «بحثی در روانشناسی ادبیات کودک و نوجوان»؛ پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، پاییز، ش ۲۶، ص ۴-۱۳، ۱۳۸۰.
- حسام‌پور، سعید، املشی‌پیرصوفی، زهرا و اسدی، سمانه؛ «خواننده نهفته در دو داستان کودک احمدرضا احمدی»؛ نقد ادبی، س ۶، ش ۲۱، بهار، ص ۱۱۱-۱۳۵، ۱۳۹۲.
- خسرونژاد، مرتضی؛ «تأملی برهم‌نشینی ادبیات کودک و فلسفه برای کودکان»؛ فصلنامه نوآوریهای آموزشی؛ بهار، ش ۲۰، ص ۱۰۹-۱۲۴، ۱۳۸۶.
- عفتی‌کلاته، مریم؛ «نقد و بررسی دو داستان «جودی انجمن مخفی تشکیل می‌دهد» و «خاطرات خون‌آشام عاشق» از منظر برنامه فلسفه برای کودکان؛ فلسفه و کودک، ش ۹، بهار، ص ۵۹-۸۲، ۱۳۹۴.
- کائدی، شهره؛ «قصه‌گویی در شعر (نگاهی به کتابهای کودک و نوجوان احمدرضا احمدی)»؛ کتاب ماه کودک و نوجوان، ش ۶۵، اسفند، ص ۲۳-۲۹، ۱۳۸۱.
- میرغیاثی، سیده ربابه؛ «معرفی کتاب: جودی دلم‌می عنوان کتاب: جودی انجمن مخفی تشکیل می‌دهد»؛ کتاب ماه کودک و نوجوان، مهر، ش ۱۳۲، ص ۱۹-۲۴، ۱۳۸۷.
- نعیمی، زری؛ «گم، مقایسه دو اثر در نگاهی کلی»؛ (الف)، کتاب ماه کودک و نوجوان، مهر، ش ۹۶، ۱۳۸۴.
- _____؛ «کجای جهان ایستاده‌ایم»؛ (ب)، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، پاییز، ش ۴۲، ۱۳۸۴.